

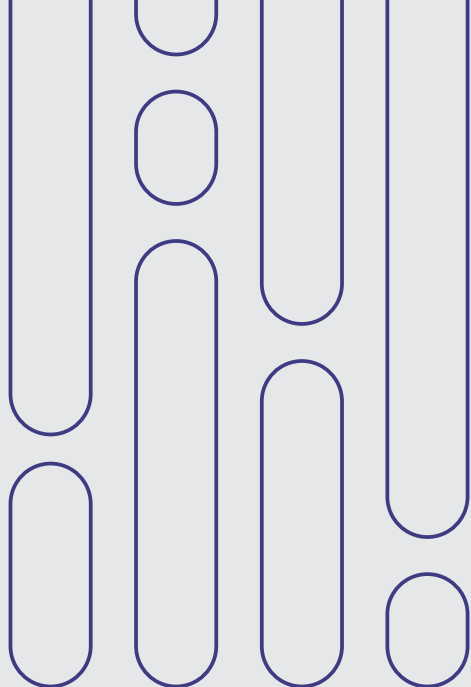
گزارش

تلاشهای چین برای ترمیم شکاف میان فتح و حماس؛ فرصتها و چالشها

11 مه 2024



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- نخست: نشانه ها و اهداف میانجی گری چین میان فتح
و حماس 3
- دوم. فرصتهایی که فراروی میانجی گری میان دو جنبش
فلسطینی قرار دارد. 5
- سوم. چالشهای فراروی میانجی گری چین میان فتح و
حماس 8

در حالیکه خاورمیانه شرایط پرتنش و ناآرامی را تجربه می کند، جمهوری خلق چین در بیست و هفتم آوریل ۲۰۲۴ میلادی میانجیگری میان فتح و حماس را آغاز کرد تا با حل اختلافات میان طرفین، موضع فلسطین در شورای امنیت نیز تقویت شود. از نگاه ناظران، این مأموریت که دومین ابتکار چین در خاورمیانه است، با توجه به اهمیت مسائل اختلافی که ابتکارهای عربی و بین المللی پیش از این در حل آنها ناکام مانده اند و با توجه به پیامدهای جنگ غزه بر موضع جنبش حماس و فتح، مأموریتی بس دشوار است. از این رو، در اینجا چند سؤال مطرح است: آیا چین خواهد توانست اختلافات ریشه ای میان حماس و فتح را حل و فصل کند؟ مهمترین فرصتها و چالشهای فراروی این مأموریت چین کدامند؟ برای یافتن پاسخ این پرسشها، بررسی اهداف و پیامدهای تلاشهای میانجیگرانه چین برای حل اختلافات فلسطینی - فلسطینی و مهمترین فرصتها و چالشهایی که ممکن است به موفقیت یا شکست تلاشهای چین منجر شود، از اهمیت بالایی برخوردار است.

نخست: نشانه ها و اهداف میانجی گری چین میان فتح و حماس

چین هدف از این میانجی گری را دستیابی به مصالحه میان دو جنبش فلسطینی اعلام کرده است تا به اختلافات دو دهه میان آنها پایان دهد و برای تعامل با چالشهایی که فلسطینیان با آن روبرو هستند به دیدگاه مشترکی دست یابند. اما احتمالاً این اقدام چین پیامهایی در بر دارد که ضمن تأکید بر نقش آفرینی فزاینده دیپلماتیک چین در خاورمیانه، آن را به عنوان یک قطب بین المللی فعال، کارآمد و مهم در حل مناقشات و مسائل بسیار پیچیده مطرح می سازد؛ به ویژه اینکه چین تقریباً یک سال قبل توانست میان بزرگترین قدرتهای منطقه ای در خاورمیانه یعنی عربستان سعودی و ایران مصالحه ایجاد کند. و در شرایطی که آمریکا در جنگ خانمان سوز غزه همچنان به اسرائیل کمکهای نظامی می کند، و چندین بار برای جلوگیری از تشکیل کشور فلسطین از حق وتو استفاده

کرده است، چین تلاش می کند خود را به عنوان یک قدرت بین المللی صلح ساز در خاورمیانه معرفی کند.

رهبری چین نیز به جایگاه محوری مسأله فلسطین در جهان عرب و جهان اسلام آگاه است. در نتیجه، میانجی گری چین میان فتح و حماس برای حل و فصل اختلافات و تقویت موضع فلسطین در شورای امنیت، افزایش اعتبار چین در میان کشورها و ملت های عرب و مسلمان را به دنبال دارد که اعتماد خود را به نظام بین الملل کنونی و جهان غرب که چشمان خود را بر جنایتها و کشتارهای اسرائیل در نوار غزه بسته، از دست داده اند. و در عین حال این اقدام چین پیامهای سازنده ای برای مسلمانان داخل چین نیز به همراه دارد.

همچنین میانجی گری چین از منافع این کشور و روابط پیچیده آن در خاورمیانه حکایت دارد. این منطقه با داشتن راه های زمینی و دریایی در مسیر پروژه فرامرزی چینی «کمربند و جاده»، در راهبرد چین از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. و علاوه بر اینکه بازار بزرگ و پرسودی برای کالاها و طرح های سرمایه گذاری چین به شمار می رود، صحنه مهمی برای مدیریت رقابت با ایالات متحده نیز هست. در نتیجه، تنش در کشورهای منطقه به زیان منافع و طرح های بلندپروازنه و جهانی چین است. از این رو، چین در تعامل با منطقه خاورمیانه سیاست متوازی را در پیش گرفته است که بر دو رکن اساسی یعنی اتخاذ سیاست های متوازن در حمایت از ثبات منطقه و نیز نقش آفرینی های تأثیرگذار در حل و فصل بحرانها و اختلافات میان کشورها و یا اختلافات داخلی در درون کشورها، استوار است.

چین در سال های گذشته سعی کرد در رابطه خود با همه طرف های فلسطینی توازن را حفظ کند. همچنین، این کشور که حماس و سایر جنبش های فلسطینی را در ردیف سازمان های تروریستی قرار نداده است، نه تنها حمله هفت اکتبر ۲۰۲۳ میلادی حماس به اسرائیل را نیز محکوم نکرد، بلکه حملات انتقامجویانه اسرائیل را بسیار ناعادلانه و نابرابر خواند. و در یک موضعگیری تاریخی در مورد فلسطینی ها، قطعنامه شورای امنیت در محکومیت حماس به خاطر حمله به اسرائیل را وتو کرد. و بارها از عضویت

کامل کشور فلسطین در سازمان ملل حمایت کرده است. از نگاه چین، موضعی که در حمایت از حماس و مسأله فلسطین در پیش گرفته است می تواند رهبران این دو جنبش فلسطینی را برای گفتگو و دستیابی به یک مصالحه قانع سازد تا اختلافات چندین ساله ای که بر مسأله فلسطین سایه افکنده بود، از میان آنها رخت بریندد. اگر چین از این مأموریت دشوار سر بلند بیرون آید، می تواند خود را به عنوان یک قدرت دیپلماتیک جهانی و مقتدر در خاورمیانه معرفی کند. در نتیجه، می تواند خود را به عنوان یک میانجی و تضمین کننده کارآمد در حل اختلافات در سطح جهان معرفی کند؛ به ویژه اینکه چین یک میانجی گری موفق را در کارنامه خود دارد که وساطت آن در ماه مارس ۲۰۲۳ میلادی میان پادشاهی عربستان سعودی و ایران، به احیای روابط طرفین منجر شد.

دوم. فرصتهایی که فراروی میانجی گری میان دو جنبش فلسطینی قرار دارد.

جنبشهای فلسطینی به این دعوت چین لبیک گفته و از آن استقبال کردند. عزام الاحمد یکی از فرماندهان فتح، سرپرستی هیأت فتح در این مذاکرات را بر عهده دارد. در عین حال، هیأت جنبش حماس نیز به سرپرستی موسی ابو مرزوق در این گفتگوها شرکت کرده است. چین اعلام کرده است که طرفین گفتگو کننده نسبت به ضرورت حصول توافق سیاسی که از طریق رایزنی و گفتگو به یک مصالحه ختم شود، ایراز تمایل کرده اند. اکنون به مهمترین فرصتهایی که فراروی تلاشهای چین در ایجاد مصالحه میان فتح و حماس قرار دارد می پردازیم:

یک. زمان این میانجی گری

زمان این میانجی گری از مهمترین فاکتورهای شانس موفقیت چین در ایجاد مصالحه میان فتح و حماس است؛ زیرا این وساطت تنها چند روز بعد از آن مطرح شد که همه بازیگران منطقه ای و بین المللی، در پی جنگ افروزی مستقیم میان ایران و اسرائیل، از بیم شعله ور شدن یک جنگ منطقه ای فاجعه بار، نفس ها را در سینه حبس کرده بودند. و در

سایه ناخرسندی جهان از اقدام تکراری آمریکا در وتو کردن تشکیل کشور مستقل فلسطینی در شورای امنیت، و لو رفتن اقدامات واشنگتن در مسأله جنگ میان اسرائیل و فلسطین و تلاشهای آن برای ایجاد صلح عادلانه و گسترده، و خامت بحرانیها در داخل اسرائیل بعد از اعتراضات اپوزیسیون، افزایش تظاهرات مردمی برای نجات گروگانها و استعفای برخی از مقامات امنیتی، این وساطت چین می تواند شانس بالایی را داشته باشد.

همچنین، در حالی چین برای برقراری آشتی میان دو جنبش فلسطینی وارد عمل می شود که اداره جو بایدن با اعتراضات گسترده دانشجویی در دانشگاههای بزرگ آمریکا روبرو است که خواهان پایان دادن به جنگ ویرانگر اسرائیل در غزه هستند. و ناخرسندی بین المللی از لجابت اسرائیل در ادامه جنگ نیز رو به گسترش است. علاوه بر آن، نگرانیها در داخل فلسطین در مورد میزان خطرات احتمالی حمله اسرائیل به رفح نیز در حال افزایش است. خلیل الحیه نایب رئیس دفتر سیاسی حماس از این سخن گفته است که در صورت تشکیل یک کشور فلسطینی بر اساس مرزهای ژوئن ۱۹۶۷ میلادی، ممکن است حماس از نبرد مسلحانه دست بکشد و به یک حزب سیاسی بدل شود.

دو. کارنامه موفق چین در میانجی میان ریاض و تهران

تجربه موفق چین در حل اختلافات میان بزرگترین قدرتهای منطقه ای تأثیرگذار در روند امور بین المللی و منطقه ای یعنی عربستان سعودی و ایران، شانس امکان موفقیت چین را در یک مورد مشابه یعنی میانجی میان فتح و حماس و نزدیک ساختن دیدگاههای این دو جنبش اصلی در معادله فلسطینی تقویت می کند. همچنین تاب آوری توافق مصالحه میان عربستان سعودی و ایران در مقابل چالشهای سختی که ناشی از جنگ در فلسطین، خاورمیانه و دریای سرخ است، عامل دیگری است که چین را برای تقویت حضور سیاسی خود در خاورمیانه مصمم تر می سازد و سبب می شود که چین با استفاده از نارضایتی افکار عمومی در سطح بین الملل از سیاستهای اسرائیل و آمریکا در قبال مسأله فلسطین، خود را

به عنوان یک قدرت بین المللی که برای ایجاد و برقراری صلح در خاورمیانه تلاش می کند، مطرح سازد.

سه. رابطه حسنه چین با بازیگران نزدیک به دو طرف اختلاف

چین روابط تنگاتنگی با بازیگران منطقه ای تأثیرگذار در روند امور منطقه ای و بین المللی دارد که به جنبش فتح و حماس نزدیک هستند. چین با بازیگران عربی مانند مصر، اردن و عربستان سعودی که قدرتهای تأثیرگذاری هستند و ابزارها و برگهای فشار زیادی بر فتح دارند، رابطه بسیار خوبی دارد. همچنین چین با ایران که از جنبش حماس و همه گروههای شبه نظامی مسلح وفادار در مناطق نفوذ در خاورمیانه حمایت می کند، روابط بسیار حسنه ای دارد. و ایران نیز به حکم رابطه بسیار تنگاتنگ و حمایتهایی که از حماس دارد، از برگهای فشار زیادی برخوردار است. این رابطه حسنه با بازیگران منطقه ای، نه تنها مأموریت پکن در نزدیک ساختن دیدگاههای جنبش فتح و حماس را آسان می سازد، بلکه چین می تواند در عملیاتی کردن توافق احتمالی از نفوذ این بازیگران بر این دو گروه فلسطینی استفاده کند.

چهار. صلح سودآور، به جای اختلافات زیانبار

احتمالا جنبش فتح و حماس به این درک رسیده اند که ادامه این اختلافات نه تنها به نفع هیچ یک از طرفین نیست بلکه در این زمان به زیان مسأله فلسطین تمام می شود. لذا، طرفین به کمک کشورهای دوست و تأثیرگذار بر آنها، ترجیح داده اند که با یکدیگر وارد گفتگو شوند؛ به ویژه اینکه همزمان با جنگ در غزه، اسرائیل از سیاستهای یهودی سازی و زورگویی در کرانه باختری علیه فلسطینیان استفاده می کند. و طرفین به این نتیجه رسیده اند که اختلافات بیشتر در این زمان، به معنای تن دادن به نابودی مسأله فلسطین است. و احتمالا طرفین ترجیح داده اند که برای تحقق منافع و دستاوردهای خود تشکیل دولت فلسطین را در اولویت قرار دهند و با توجه به هزینه تداوم اختلافات و پیامدهای آن بر ملت فلسطینی که اسرائیل در تلاش است با آواره ساختن آنها مسأله

فلسطین را نابود کند، طرفین راه حل صلح سودمند را به عنوان بهترین گزینه انتخاب کرده اند.

پنج. قدرت چین و برگهای فشاری که به عنوان یک میانجی در اختیار دارد

وجود یک میانجی بزرگ بین المللی همچون چین فرصتی برای طرفین است که به این مصالحه رضایت دهند. چین یک قطب بین المللی بزرگ است که به حکم توانمندیهای اقتصادی (دومین در جهان)، نظامی (دومین در جهان) و سیاسی (عضو دائم شورای امنیت) از ابزارهای فشار و تأثیرگذاری زیادی برخوردار است. همچنین نگاه طرفین به چین به عنوان یک قطب بزرگ بین المللی که در برابر سلطه انحصاری آمریکا بر جهان موازنه گری می کند، طرفین را به پذیرش مصالحه ترغیب می کند و با تقویت اعتماد متقابل طرفین، اجرایی ساختن توافق را نیز تضمین و تسهیل می کند. همچنین چین نیز خوب می داند که در سخت ترین آزمون خاورمیانه ورود کرده است و در این شرایط سرنوشت ساز که بر سر رهبری جهان و جایگاه قدرتها در نظام بین الملل با آمریکا هموردی می کند، نمی تواند در گفتگوهای صلح وارد شود بدون آنکه آن را به سرانجام برساند.

سوم. چالشهای فراروی میانجی گری چین میان فتح و حماس

تلاشهای چین برای پایان دادن به اختلافات فلسطینی ها با چالشهایی متعددی روبرو است و احتمال دارد که این تلاشها بر خلاف مصالحه میان عربستان سعودی و ایران در مارس ۲۰۲۳ میلادی، به نتیجه نرسد. مهمترین مشکلات و چالشها در این زمینه عبارتند از:

یک. ماهیت طرفهای بحران

فتح و حماس هر کدام در کرانه باختری و یا در نوار غزه، حکومت می کنند. علی رغم اینکه آنها عملاً با حکومتداری و الزامات آن سر و کار دارند، اما در عین حال در شمار بازیگران غیر دولتی به شمار می روند. از این رو، عوامل و مسائلی که رفتار این بازیگران را سمت و سو می دهد، با اصول

و معیارهایی که کشورها در روابط خارجی خود بر اساس آن رفتار می کنند، تفاوت دارد. به ویژه اینکه با توجه به اختلاف عمیق ایدئولوژیک میان آنها، گاهی این اختلافات رویکرد معادله با حاصل جمع صفر را به خود می گیرد. از این رو می توان گفت که دستیابی به توافق و پایبندی به آن بسیار سخت به نظر می رسد؛ به ویژه وقتی که مسأله «عدم ثبات رهبری» مخصوصاً در مورد حماس را در نظر بگیریم. زیرا آخرین تصمیمات در میان مسئولین حماس که در نوار غزه در معرض ترور قرار دارند، باقی می ماند. در نتیجه احتمال اینکه رهبران مواضع خود را تغییر دهند، بسیار زیاد است.

دو. شکست تجربه های پیشین مصالحه

بسیاری از کشورهای عربی برای میانجی گری میان فتح و حماس وارد عمل شدند و تلاش آنها در سطح نظری نتایج مثبتی را به دنبال داشت اما در عمل و روی زمین با شکست مواجه شد؛ زیرا هر کدام ضمن پافشاری بر موضع خود، دیگری را به کار شکنی و خروج از توافق متهم کردند. علی رغم اینکه حدود دو دهه از این بحران می گذرد، اما گذشت زمان نه تنها به حل این بحران کمکی نکرد بلکه آن را پیچیده تر ساخت؛ زیرا هر کدام از طرفین در کمین موقعیت ضعف دیگری بودند تا با گرفتن امتیازات از رقیب، دستاوردهای بیشتری برای خود کسب کنند. از این رو، تلاشهای میانجی گرانه چین هرچند که ممکن است به امضای یک توافقنامه منتهی شود، اما احتمال آن نیز وجود دارد که به سرنوشت توافقات و تلاشهای قبلی میان این دو رقیب منجر شود؛ زیرا نه تنها هیچ نشانه دال بر تغییر دیدگاه آنها دیده نمی شود بلکه بر عکس، تجارب گذشته ثابت کرده است که طرفین به مسأله مصالحه نگاه تاکتیکی داشته اند نه راهبردی. و هر کدام از طرفین صرفاً برای اینکه به سنگ اندازی در مسیر گفتگوها یا به تلاش برای کسب دستاوردهای منطقه ای و داخلی متهم نشوند، بنا به دعوت کشورهای میانجی به گفتگوها روی آوردند.

سه. تأثیرات خارجی بر طرفین اختلاف

هر دو طرف فلسطینی، به حکم وضعیت داخلی در تصمیمات سیاسی

شان تحت تأثیر محاسبات خارجی بسیار دقیق قدرتهای منطقه ای و بین المللی قرار دارند. باتوجه به اهمیت حمایت مالی و نظامی ایران، حماس همواره موضع ایران را مد نظر دارد. و در مقابل، جنبش فتح به مواد توافقنامه اسلو و الزامات اداره کرانه باختری در سایه رابطه با اسرائیل اشغالگر توجه دارد. در نتیجه، این احتمال وجود دارد که قدرتهای خارجی به طور مستقیم یا غیر مستقیم مانع پایبندی یکی یا هر دو طرف به مواد توافقنامه شوند. در اینجا ذکر این نکته نیز لازم است که اسرائیل اختلاف میان فلسطینی ها را فرصت مناسبی برای عدم پایبندی به تعهدات و توجیه سیاستهای خود می داند که در رأس آنها عدم پذیرش راه حل دو کشوری است. از این رو برای مانع تراشی در مسیر مصالحه میان فلسطینی ها از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند.

چهار. چالشی به نام آمریکا

چین که تجربه موفق میانجی گری میان عربستان سعودی و ایران را در کارنامه خود دارد، اگر چنانچه در دستیابی به توافق مصالحه میان فتح و حماس نیز موفق شود، ضربه کاری دیگری به ایالات متحده آمریکا و جایگاه آن در نظام بین الملل وارد خواهد کرد. از این رو، واشنگتن نیز از تمامی ابزارهای ممکن برای ناکام گذاشتن چنین توافقی استفاده می کند. مخصوصا در شرایط کنونی که بایدن به خاطر نقش حمایتی که در جنگ اسرائیل علیه غزه دارد و با تشکیل کشور فلسطین در شورای امنیت مخالفت کرده است، به نارضایتی ها در داخل دامن زده است.

پایان:

چین برای افزایش حضور خود در منطقه خاورمیانه کمر همت بسته است و در این راستا از عواملی چون موضع حمایتی خود از مسأله فلسطین، روابط متوازن با طرفهای مختلف فلسطینی، بی اعتمادی کشورها و ملت های منطقه به آمریکا در حل بحرانها و چالشهای پیش رو، مدد می گیرد. علی رغم امکان موفقیت پکن در ایجاد مصالحه میان جنبش فتح و حماس، اما باید گفت که این بلندپروازی چین برای گسترش نفوذ در

خاورمیانه از دروازه مسأله فلسطین چندان هم آسان نخواهد بود و در سایه پیچیدگیهای رابطه جنبش حماس و فتح و احتمال دخالت طرفهای بین المللی و منطقه ای برای ناکام ساختن این تلاشهای چین، موفقیت در این زمینه، مذاکرات و گفتگوهای بیشتری می طلبد.

